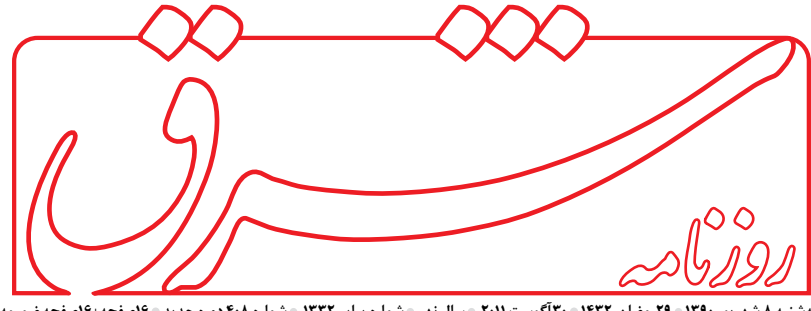




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، فکس: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsaper.ir
تهران: اذان ظهر ۵:۱۳ اذان مغرب ۱۹:۵۴ اذان صبح فردا ۵:۰۷ طلوع آفتاب ۶:۳۵



سه‌شنبه ۸ شهریور ۱۳۹۰ ۲۹ رمضان ۱۴۳۲ ۲۰ آگوست ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۳۲۲ شماره ۴۰۸ دوره جدید ۱۶ صفحه+۱۶ صفحه ضمیمه

دعای روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ عَشْنٰی فِیْهِ بِالرَّحْمَةِ وَاَرْزُقْنِیْ فِیْهِ التَّوْفِیْقَ وَالْعَصْمَةَ
وَظَهِّرْ قَلْبِیْ مِنْ غَیَابِ التَّهَمَةِ بِاَرْحَمِاْ بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِیْنَ

خدا یا فراگیر مرا در این ماه به مهر خود و روزیم کن
در آن به توفیق و خودنگهداری و پاک کن دلم را از تیرگی‌های تهمت ای مهربان نسبت به
بندگان مومن خود

تاش

تعریفی خلاق برای درک هنر

محمدابراهیم جعفری

نقاش



■ با اینکه نصب آگهی‌ها (پوسترها) بر دیوارها ممنوع است، در هفته‌های اخیر اعلامیه رنگین بزرگی بر دیوارهای یکی از شهرهای بزرگ ایران دیدم. در وسط صفحه بزرگ با حروف طراحی‌شده نوشته بود: «هایسگاه اثر دانشجوین استاد جعفر میرابهیمی!» کمی عجیب به نظر آمد. خیلی تعجب نکردم چون اگر در مفهوم جمله‌ای که در آگهی‌های تبلیغاتی می‌نویسند عمیقاً دقت کنیم، بدون اینکه در مباحث پیچیده فرهنگی و هنری مطالعه و تجربه داشته باشیم، خواندن برخی جمله‌های تبلیغاتی پس از اندکی تأمل در نظر ما گول‌زنک، دروغ و تعجب‌آور است. مثل اینکه در یک آگهی بر دیوار یا در مطبوعات بخوانیم «رسیدن به خلاقیت کامل در ۱۰ جلسه علمی و نظری!» یا «طراحی در یک قدم با قبولی تضمینی در کنکور دانشگاه!»... خواننده عزیز اگر احساس می‌کنید این نوشته‌ها به دردتان نمی‌خورد، بهتر است بدانید یادداشت‌های من با توجه به زمان انتشار روزنامه و نیاز جوانی که با من در تماس هستند، مسائلی ساده‌ای را در درک و حساسیت‌های فرهنگی دنبال می‌کنند. مثلاً نوشته‌ام روز من، همکاران جوانی را که تازه به تعلیم تدریس مباحث هنری، عملی و نظری مشغول شده‌اند به خود می‌آورد و آنها بیش از پیش متوجه می‌شوند دستورالعمل‌ها و برنامه‌های سال‌های پیش اغلب تاریخ‌مرفشان گذشته است و این برنامه‌ها در روند خلاقیت و مهارت چندان به کار نمی‌آید و چنانکه اکثر دانشگاہها می‌بینیم آنها را از شوق دور و به طوق نزدیک می‌کنند به طور مثال توجه کنید در هنرستان‌ها و دانشکده‌های هنری در اغلب قریب به اتفاق رشته‌ها فاصله عظیمی بین برنامه‌ریزی‌های نظری-عملی و تعریف خلاق زیر موجود است: «هنر هر بار که اتفاق می‌افتد، یک بار تعریفش تازه می‌شود» کمترین کاری که بلور کردن این جمله انجام می‌دهد این است که تمام جوانانی که «در فهمیدن در عرصه هنر را دارند» به تخیل و تفکر و گفت‌وگو وامی‌دارد. گفت‌وگوی هنرجو با هنرجو، مباحثه دانشجویان دانشجویان و از همه مهم‌تر این است که برای جوانان سوال‌های تازه ایجاد می‌کند و برای استنادن جواب‌هایی ایجاد می‌کند که خود را به برنامه‌ریزی نوین را هموار خواهد کرد.

کارتون
خواب

جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com



برداشت
آخر

سه ممیزی متفاوت «نوت‌بوک» ساراماگو

شرق: هنوز مسئولان اداره خلاقه کتاب و کتابخوانی ارشاد، عسرتن‌شان از جر و بحث با ناشران و نویسندگان و علاقه‌مندان به ادبیات درخصوص ممیزی «خسرو و شیرین» خشک نشد که «ایلنا» خبر دیگری را منتشر کرده که از همان دست خبرهاست. بنابراین گزارش، «نوت‌بوک» مجموعه آخرین یادداشت‌های «ژوزه ساراماگو»، نویسنده برجسته پرتغالی، که چندی است به فارسی ترجمه شده هم مورد عنایت بررس‌های اداره کتاب قرار گرفته است. نکته قابل‌توجهی که درخصوص نشر این یادداشت‌های روزانه که در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ میلادی نوشته شده و حاوی نقطه‌نظرات و واکنش‌های این نویسنده و اندیشمند پرتغالی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، آن است که یکی از مترجمان «نوت‌بوک» در گفت‌وگویی پرده از ممیزی‌های فراوان این اثر گرفته است. موارد ممیزی در سه ترجمه نه تنها با هم یکی نیست بلکه هر ترجمه مواردی از حذفیات را دارد که دیگر اثر ترجمه‌شده، مثلاً آن را عیناً حفظ کرده است.

علی‌قادری که ترجمه‌اش را با عنوان «دفتر یادداشت» و توسط نشر مروارید منتشر کرده درخصوص تفاوت‌های کتاب مورد ترجمه خود با دیگر ترجمه موجود در بازار گفت: من تنها فرصت کرده‌ام که مروری سریع بر «نوت‌بوک» نشر ثالث که با ترجمه مینو مشیری منتشر شده بیندازم و در این مرور دریافتم بیشتر ایراداتی که ممیزان در ترجمه من؛ روی آنها دست گذاشته بودند و دست‌آخر به حذف یا تغییر آن بخش‌ها انجامید، بدون هیچ محدودیتی در «نوت‌بوک» منتشر شده از سوی ثالث نشر یافته است. البته نه به دلیل اینکه در این بخش‌ها مطالبی سیاسی و احتمالاً غیرقابل چاپ وجود داشته، بلکه تنها برخی از نام‌ها و القاب برای بررس‌های این

شاید این پرسش در نگاه نخست به نظر بیش از اندازه «بی‌معنا» بیاید، زیرا در برابر آن، این گزاره به ظاهر بدیهی مطرح می‌شود که از آنجا که هر انسانی از مادری زاده شده و این مادر نیز زبانی دارد، بنابراین هر انسانی دارای یک زبان مادری و فرهنگی است که به این زبان مادری تعلق دارد. اما مساله همان‌گونه که در این یادداشت قصد بیانش را داریم برخلاف ظاهر ساده آن از لحاظ فرهنگی بسیار پیچیده‌تر است.

پیش‌فرض ما در این بحث البته در تعیین‌کننده و اساسی بودن زبان به مثابه نه فقط ابزار اصلی ارتباط میان انسان‌ها، بلکه ظرف اساسی دریافت معانی، پردازش آنها و اندیشیدن و تحلیل در انسان‌ها است. اما پیش از آنکه این بحث را از لحاظ نظری دنبال کنیم، ابتدا چند مثال بیاوریم تا از خلال مصداق‌ها مساله بازتر شود: هر انسانی لزوماً «یک» مادر ندارد، مگر آنکه مفهوم مادر را صرفاً در معنای بیولوژیک آن (و حتی آن هم در بیولوژی کلاسیک و نه استفاده از فنون باروری جدید) خلاصه کنیم. برعکس هر انسانی می‌تواند حتی از نخستین سال‌های زندگی خود رابطه‌ای عاطفی و مادرگونه با چندین زن برقرار کند. کودکان امروز از دو یا سه سالگی به کودکان می‌روند و با آموزگاران و پرستاران جدیدی روبه‌رو می‌شوند، اما حتی همان رابطه با مادر بیولوژیک نیز بنا بر فرهنگ، دوره تاریخی، شخصیت روانی و اجتماعی کودک و مادر و طرف دیگر این رابطه یعنی پدر، یکسان نیست. بنابراین زبان به هیچ رو به شکل یکسان و هم‌وزن، هم‌سطح و با عمقی مشابه به افراد منتقل نمی‌شود. افراد بسته به اینکه در چه روابطی، در چه موقعیتی و با چه افرادی قرار می‌گیرند زبان مادری خود را به صورت‌های بسیار متفاوتی درونی می‌کنند یا بهتر است بگوییم قابلیت‌های نسبتاً ذاتی را به فعل

در می‌آورند.

از این گذشته، بسیاری از کودکان (و در شرایط جهانی شدن این موقعیت دائماً افزایش می‌یابد) ممکن است در شرایط چند زبانی قرار بگیرند و استراتژی‌های زبانی متفاوتی را تجربه کنند: زندگی با دو زبان متفاوت، وجود زبان‌های محلی یا قومی در کنار زبان ملی و رسمی، وجود محیطی با زبانی متفاوت برای مثال در مهاجرت. در این حالت کودک به صورت «طبیعی» چندین زبان را با یکدیگر آموخته و همه آنها به نوعی به زبان «مادری» او تبدیل می‌شوند، زیرا در آنها گویشی طبیعی دارد و در جهان شناختی، ذهنی و کنشی آنها احساس امنیت زبانی می‌کند.

از هنگامی که کودک وارد محیط تربیت رسمی می‌شود هر اندازه در این محیط به پیش می‌رود، دخالت جامعه در نظام زبان شناختی بیشتر می‌شود و در اینجا سرگذشت‌های فردی می‌توانند تأثیر غیرقابل انکاری در سرگذشت‌های زبانی فرد بگذارند: چه بسیار نویسندگانی که هرگز به زبان مادری خود متنی ننوشتند یا در دوره‌ای به صورت موقت یا مقطعی با برای همیشه آن را به سود زبان دیگری ترک کردند (کوندا و بکت مثال‌های بسیار شناخته‌شده‌ای در این زمینه هستند) از این رو، سخن گفتن از فرهنگ زبان مادری به صورت مطلق و قطعی هر چند کاملاً نادرست نیست، اما بنا بر مورد باید همواره در ظرف‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و... تعدیل شده و با تأمل بیشتری تحلیل شود. این بحث خود می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای بحث مهم‌تری که به خصوص در کشوری همچون کشور ما مطرح است و آن زبان‌های قومی و محلی هستند: بسیاری از استدلال‌هایی که درباره این زبان‌ها مطرح می‌شود، بحث «زبان مادری» را مبنای استدلال‌های خود قرار می‌دهند غافل از آنکه در هیچ یک از قومیت‌ها و گویش‌های ایرانی (و در کشورهای دیگر نیز همین امر صادق است) ما با میزان یکسان و شکل یکسانی از رابطه فرد با افراد و گروه‌ها با زبان مزبور روبه‌رو نیستیم و لزوماً به این دلیل که کسی درون یک زبان به دنیا آمده است نباید او را واداشت که در آن زبان رابطه خود را با جهان بازسازی و تداوم دهد. به نظر ما همان اندازه که حق برخورداری از «زبان مادری»، «زبان قومی»، «زبان محلی» و حتی «زبان ملی»، حتی قابل دفاع برای همه افراد است، حق ترک و کنار گذاشتن این زبان‌ها نیز باید برای آنها به رسمیت شناخته شود. زبان بخشی از وجود درونی انسان‌هاست که هر چند هر کس را به یک محیط فرهنگی بزرگ پیوند می‌دهد اما این پیوند باید به صورت داوطلبانه و آزاد انجام بگیرد و فرد خود بخواهد و در راهش کوشش کند و نه از خلال اجبار و با هدف‌هایی فراتر از زندگی انسان و شخصیت انسان‌ها.

ابوعطا

سیاه‌نمایی را توصیف کنید

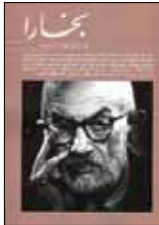
هادی چپرادر



البته بر همه کس واضح و مبرهن است که سیاه‌نمایی خیلی چیز بدی می‌باشد، چون که تلویزیون هر روز این همه نخبان و برریختگان را نشان می‌دهد که درباره سیاه‌نمایی که کار امپرسیونیست جهان‌خوار می‌باشد حرف می‌زنند. اما راستش ما اولش نمی‌دانستیم سیاه‌نمایی چی می‌باشد و فکر می‌کردیم در تلویزیون «سیاه‌نمایی» می‌گویند و یاد مرغ مادربرزگمان می‌افتادم که پراهش هم سیاه و هم حبابی داشته می‌باشد اما با مطالعات عمیق خود که هزار نفر ساعت کارشناسی گردانیدیم و کارگروه تشکیل می‌باشیم، فهمیدیم که سیاه‌نمایی چی می‌باشد. پس جادارد که به ما کارشناس ارشد بگویند.

و کارگروه عبارت می‌باشد از یک گروه از باسوادان و برریختگان که مشکلات بزرگ را حل می‌گردانند و چون مشکلات کشور ما دیگر حل شده، به سراغ مشکلات کشورهای دیگر و کرات دیگر می‌روند و ما اولش بابای خود را عضو کارگروه گردانیدیم و از او پرسیدیم سیاه‌نمایی چی می‌باشد و او بلد نبود و به ما گفت: «چه برو سر درست، این مزخرفات چیه می‌گی؟» و بابای ما خبر نداشت که اتفاقاً سیاه‌نمایی موضوع درس ما و خیلی علمی می‌باشد. بعد به سراغ مامان‌مان رفتیم که او هم نمی‌دانست؛ بنابراین فرهنگ لغت قدیمی‌اش را آورد و هرچه در آن گشت معنی سیاه‌نمایی را پیدا نکرد. دانش‌بنابرین فهمیدیم که سیاه‌نمایی لابد خفن‌تر از اینها می‌باشد و بعد به سراغ یکی دیگر از کارشناسان کارگروه رفته می‌باشیم که عبارت می‌باشد از شوهر خاله ما که جا دارد او را کارشناس ارشد کارگروه بنامیم و شوهر مذکور به ما یاد داد که سیاه‌نمایی لغت جدیدی می‌باشد و بابای ما می‌نمودند.

«بخارا» با یادنامه «سعید نفیسی» آمد



شماره ۸۲ مجله «بخارا» به کوشش «علی دهباشی» منتشر شد. دهباشی در ادامه راه «برج افشار» به سنت نیک یاد مشاهیر این سرزمین در زمانی که زنده هستند، پرداخته و بدون هیچ امکانات قابل توجهی در ادامه شاخه‌های جشن‌نامه‌ها و یادنامه‌ها، در شماره مرداد و شهریور این مجله یادنامه «سعید نفیسی» (با یادداشت‌ها و گفتاری از مرحوم «برج افشار» دکتر «علی بهزادی»، «مظاهر مصفا» و فراهم کرده است. دوستان را م‌الف سایه نیز می‌توانند پنج شعر منتشر نشده از این شاعر را در شماره جدید «بخارا» بخوانند. دکتر «محمدرضا شفیع دکنی» در مقالهای با عنوان

شکار معانی در صحرای بی‌معنی به آسیب‌شناسی فرهنگ ایرانی بعد از مغول در «بخارا» پرداخته است. در بخش فلسفه این شماره نیز به فلسفه اسپینوزا با نوشتاری از سفیر هلند در ایران «کیس کول»، دکتر «عزت‌الله فولادوند» و «ارویش آشوری» به چاپ رسیده است. قلم و رنجه به قلم «بهادرالدین خرمشاهی»، نوازش‌های قلمی در هوای دل‌نگینی نوشته «جواد مجابی» و یادنامه «هائری کرین» با دو نوشتار از «ارویش شایگان» از دیگر مطالب متنوع این شماره از «بخارا» در کنار دهها مطالب خواندنی دیگر است. این شماره «بخارا» به قیمت هشت هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان است.

فیلمی از رضا میرکریمی

پیشکش برای خانواده ایرانی

به یک خانواده ایرانی می‌پیوندیم

شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۲۱۱۱

با یک پیامک و یا ایمیل عضو این خانواده می‌شویم

رو نمایی از سایت اینترنتی چیتیز

همزمان با عید سعید فطر

www.yehabehghand.com

info@yehabehghand.com

با هنرمندان فیلم همراه شوید

 mirkarimi@yehabehghand.com

 kianian@yehabehghand.com

 javaherain@yehabehghand.com

 nazarie@yehabehghand.com

 shahebrahimi@yehabehghand.com



۲۰ هزار سینماهای یکیم